

مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه ایرانی و جامعه اروپایی - امریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی و انگیزه پیشرفت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

خلاصه

مقدمه

هدف این پژوهش، مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی - امریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی و انگیزه پیشرفت بود. این پژوهش از نوع کاربردی و به روش علی مقایسه - ای پس رویدادی انجام گرفت.

روش کار

برای این منظور تعداد ۲۱۹ آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ ساله، با سطوح تحصیلی متوسطه به بالا، شامل ۶۱ مرد و ۵۱ زن ایرانی، و ۵۰ مرد و ۵۷ زن از کشورهای اروپایی - امریکایی، به روش داوطلبانه به پرسشنامه پاسخ دادند. برای سنجش متغیر «محرومیت جنسی» در دو گروه تحقیق، از «پرسشنامه سنجش شدت عوامل بسترساز محرومیت جنسی» ASD استفاده شد.

نتایج

مقایسه میانگین و انحراف معیار شدت عوامل بسترساز محرومیت جنسی در دو گروه پژوهش نشان داد که میزان شدت این عوامل و در نتیجه میزان محرومیت مزبور در جامعه ایرانی، از جامعه امریکایی - اروپایی بیشتر است ($p < 0/01$). همچنین نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که نمونه‌های ایرانی در تمام مؤلفه‌ها نمرات بیشتری داشتند (سطح معناداری $0/001$).

نتیجه گیری

این نوع محرومیت محصول کهن‌الگوها و در نتیجه فرهنگ منحصربفرد ایرانی است تبعاتی در بینش‌ها و رفتارهای جامعه ایرانی دربرداشته و رابطه‌ای با دستورات و ارزشهای دین اسلام ندارد. کاربرد یافته‌های این پژوهش، منظور نمودن مفاهیم بدست آمده در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت آموزشی و فرهنگی است.

کلمات کلیدی

کهن‌الگوی ایرانی، محرومیت جنسی، افسردگی، انگیزه پیشرفت.

پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

مسعود حسین پور زنوزی^۱

محمدعلی رحمانی^{۲*}

محمدرضا زربخش بحری^۳

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

^۲ استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

Email: m_rahmani@toniau.ac.ir

مقدمه

زنان رکن اصلی خانواده را تشکیل می دهند و سلامت جسم و روان خانواده و تربیت فرزندان آنها اثر مستقیم دارد. سازمان بهداشت جهانی سلامت زنان را از شاخص های رشد یافتگی کشورها معرفی نموده است (۱). براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی دارد و تغییر در هر یک از این ابعاد موجب تاثیر بر سایر ابعاد می شود (۲). علیرغم اینکه زنان در هر جامعه ای نیمی از جمعیت آن جامعه را تشکیل می دهند، مع الوصف بسیاری از تحقیقات در چند دهه گذشته نشان داده اند که جدا از سطح توسعه یافتگی جوامع، زنان هم به عنوان یک گروه اقلیت و هم به مثابه یک طبقه فرودست، وابسته و آسیب پذیر مطرح اند (۳). یکی از جنبه های مهم مفهوم سلامت، سلامت روان است و در این میان سلامت جنسی نه تنها نشانه ای از سلامت روانی است، بلکه اختلال در آن سلامت بدنی را نیز به شدت تحت تاثیر قرار می دهد (۴). نیاز انسان به محبت و نوازش از جانب همنوعش بسیار ژرف تر و حادث تر از احتیاج او به غذا است و ضرورت آن برای بقا و پایداری انسان امری غیر قابل انکار است (۵). تمایلات جنسی درونی ترین احساسات و عمیق ترین آرزوهای قلبی انسانها در معنا بخشیدن به یک ارتباط است. اختلال فعالیت جنسی در زنان شایع است و در هر سنی، فرهنگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بروز می کند و به طور وسیع بر کیفیت زندگی، اعتماد به نفس، خلق و خوی و ارتباط با همسر اثر می گذارد (۶).

عوامل متعددی موجب بروز اختلال جنسی در زنان می گردد. بعضی از این عوامل عبارتند از وضعیت سلامت عمومی فرد، اختلال روان شناختی، ابتلا به بیماری های مزمن فاکتورهای بین فردی و مسائل اجتماعی (۷). افسردگی یکی از شایع ترین عوامل روان شناختی موثر در بروز اختلال جنسی است. امروزه افسردگی رایج ترین اختلال روانی شناخته شده که به دلیل گستردگی و شیوع فراوانی که دارد، سرماخوردگی

روانپزشکی نامیده می شود. زنان بیشتر از مردان در معرض خطر افسردگی قرار دارند (۸) افسردگی به دلیل زیست شناسی بر جنسیت تأثیر می گذارد. این کار با مواد شیمیایی مغز به نام انتقال دهنده های عصبی آغاز می شود. هنگامی که مغز شما فکر می کند، بدن شما با افزایش جریان خون به اندام های جنسی واکنش نشان می دهد. افزایش جریان خون باعث تحریک از طریق نعوظ یا روان سازی واژن می شود. در فرد مبتلا به افسردگی، مواد شیمیایی مرتبط با جنس تعادل ندارند. در نتیجه، میل جنسی کم یا از بین می رود. سطح پایین برخی از این مواد شیمیایی نیز می تواند احساسات لذت بخشی را مختل کند. زنان و مردان هر دو به دلیل افسردگی می توانند در شروع رابطه جنسی و لذت بردن از آن دچار مشکل شوند. هنوز هم تفاوت هایی در تأثیر افسردگی بر زنان و مردان وجود دارد. سائق جنسی را به عنوان نیروی انگیزشی مداوم معرفی می کند که به ارضای تناسلی محدود نشده و انرژی آن (لیبدو^۱) تمام بدن را دربر گرفته و منشاء انگیزشی انسان است. اما این منبع انرژی انگیزشی، می تواند توسط فرد و به دلایل محیطی یا اجتماعی در جهتی مغایر با انگیزش فرد تغییر یابد (۹). چنین تغییری در اثر عوامل محیطی و توسط مکانیزم های دفاعی روانی محقق می شود. اساسی ترین و متداول ترین مکانیزم ها برای تغییر دادن واقعیت های روانی، سرکوبی است. برای مثال، اگر فکر کردن به مسائل جنسی باعث شود که فرد احساس گناه کند، به جای آن به موضوعاتی می اندیشد که باعث می شود احساس خوبی داشته باشد. اما اخیراً به این دلیل که افراد از «بازگشت» خاطرات سرکوب شده خود خبر می دهند، و بر پایه این خاطرات مبادرت به رفتارهای ناکارآمد می کنند، امکان سرکوبی کامل مورد سؤال قرار گرفته است (۱۰). انگیزه پیشرفت، یعنی گرایش به تلاش برای انتخاب فعالیت هایی که هدفش رسیدن به موفقیت یا دوری از شکست است (۱۱). انگیزه پیشرفت عبارت است از گرایش فرد برای گذر از

1 - libido

سدها، تلاس برای دست یابی به گونه ای برتری، و حفظ معیارهای سطح بالا، کسانی که انگیزه پیشرفت بالا دارند می خواهند کامل شوند و کارکرد خود را بهبود بخشند. آنان وظیفه شناس اند و ترجیح می دهند کارهایی را انجام دهند که چالش برانگیز باشد و به کاری دست بزنند که ارزیابی پیشرفت شان به گونه ای، خواه در مقایسه با پیشرفت دیگران یا خواه بر پایه ملاک های دیگر شدنی باشد. این افراد از عزت نفس برخوردارند، مسئولیت فردی را ترجیح می دهند و دوست دارند که به گونه ای ملموس از نتایج کار خود آگاه شوند (۱۲).

با عنایت به موارد فوق، انتظار می رود که وقتی جامعه ای، نیازی طبیعی و اساسی که به عنوان نیروی انگیزشی مداوم معرفی شده و تمام جنبه های مختلف زندگی یک فرد را در بر می گیرد را، مغایر با معیارهای فردی و در مخالفت با موازین اجتماعی قلمداد کند، و در زمره امور غیراخلاقی بیاورد، اضطرابی مانا و پنهان، از طریق سه مکانیسم فوق الذکر در او راه اندازی می شود. همان اضطرابی که بصورت مزمن و در تمام سال های عمر منشأ بازداری های اجتماعی و بی-انگیزی در امور مختلف زندگی و بالاخص در امور حرفه ای و شغلی می شود که نتیجه آن بصورت عدم وجود، یا کمبود قابل ملاحظه نوآوری ها و یا ایجاد تغییرات مثبت در آن جامعه مشاهده خواهد شد. مسئله دوم در این پژوهش، بحث در باره تابوها، کهن الگوها، و تابوهای کهن الگویی است. این موارد از آن جهت حائز اهمیت هستند که نقش مهمی در شکل دهی به انگیزه ها، هیجان ها (اضطراب ها)، رفتارها، و نهایتاً سرنوشت یک جامعه دارند. تابو کلمه ای است از زبان پولینزی است.

بسیاری از قیود که در جوامع مختلف احساس ها و سپس انگیزه ها و رفتارهای افراد را تحت تأثیر قرار داده و شکل می دهند، ناشی از قیودی هستند که تابوها در ذهن افراد جامعه ایجاد و در طول زمان تثبیت کرده اند. گاهی این قیود به اشتباه به دستورات دینی نسبت داده می شود، حتی اگر آن قیود بهیچوجه در دستورات دینی آن جامعه وجود نداشته باشند.

در واقع انتساب به دین، از سوی ناخودآگاه جامعه، برای حفظ ارزشهای کهن الگویی، بطور اتوماتیک رخ می دهد. برای ما «تابو» بر دو معنای متضاد دلالت می کند. از یک طرف مفهوم «مقدس»، «مختص» و از سوی دیگر مفهوم «اضطراب انگیز»، «خطرناک»، «ممنوع» و «پلید» را می رساند. «قیود تابویی، اموری جدا از منهای صرف مذهبی و اخلاقی است. محدودیتهای مذکور به اوامر الهی منسوب نیستند، بلکه خودبخود پا گرفته اند. و آنچه تابوها را از نهی های اخلاقی متمایز می کند این است که در شمار قواعدی نیستند که بطور کلی بر ضرورت پرهیزکاری تکیه دارند. محرمات تابویی در حالی که برای ما غیرقابل فهم هستند از نظر کسانی که تحت سیطره آنها زندگی می کنند، طبیعی جلوه می کند. وونت می-گوید تابوها عبارت از کهن ترین مجموعه قوانین غیرمدون بشر هستند که از دین قدیمی تر و مربوط به دوران ماقبل مذهبی هستند (۱۳). اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت قابل توصیف است که می توانیم با ایجاد پذیرش، ابتدا در قشر تحصیل کرده و دانشگاهی و همچنین فلاسفه و مبلغین دینی و سپس سایر اقشار جامعه ایرانی، تکانه های ناهشیار ناشی از کهن الگوهای نادرست و بازدارنده را به حیطة هشیار ذهن جامعه انتقال دهیم. هشیارسازی ذهن جامعه نسبت به وجود تکانه هایی که طی هزاران سال منجر به تولید سنت ها و ایجاد محدودیت هایی در جامعه شده که مسبب بی انگیزی و مانع رشد خلاقیت بوده و همچنان با استحکام تمام پابرجا هستند، می تواند فرهنگ جامعه را از ارزش های سرکوب گر و محدودگر به سوی فرهنگی با ارزش های علمی و دینی سوق داده، و از این طریق موجبات کاهش اضطراب، شکوفایی خلاقیت و بازگشت انگیزه پیشرفت در جامعه را فراهم آورد. چنانکه گفته شد تاریخچه و شرح ایجاد و بقای تابوهای کهن الگویی، اما ارتباط دو مسئله بالا به این صورت است که ارزش های کهن الگویی منشأ و خاستگاه شکل گیری تابوها هستند. تابوهای مذکور در ذهن جامعه موجب ایجاد بستری می شود که ماحصل آن عدم امکان دسترسی به جنس مخالف قبل از ازدواج دائم خواهد بود. این شرایط نیز

به نوبه خود منجر به شیوع محرومیت کشیدگی جنسی و سپس عواقب روان‌شناختی و اجتماعی خاص برای افراد و نهایتاً جامعه می‌گردد.

روش کار

طرح تحقیق از نوع علی مقایسه‌ای پس رویدادی بود. جامعه آماری شامل زنان و مردان ایرانی و اروپایی - امریکایی بود. حجم نمونه عبارت بود از ۲۱۹ نفر آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ سال با سطح تحصیلی متوسطه به بالا. از این جمعیت ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی و ۱۱۷ نفر از زنان و مردان امریکایی - اروپایی بودند که به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. ملاک‌های ورود در پژوهش عبارت بودند از رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش، داشتن حداقل مدرک سیکل (ابتدای دوره متوسطه)، داشتن حداقل ۲۵ سال سن، ایرانی نبودن حتی یکی از والدین آزمودنیهای خارجی و والدین والدین آنها.

پرسشنامه های پژوهش با طراحی فرمی با استفاده از گوگل فرمز در دو نسخه به زبانهای فارسی و انگلیسی تهیه گردید. لینک پرسشنامه ها برای افراد که در کشورهای ایران، امریکا، کانادا، آلمان، فرانسه و انگلیس زندگی می‌کردند و در مشاغل مختلف دانشگاهی، اداری، کادر درمانی فعالیت می‌کردند، ارسال گردید. این لینک از طریق اپلیکیشن های واتساپ، تلگرام و ایمیل برای افراد ارسال شد. در راهنمای ابتدای پرسشنامه در هر دو نسخه فارسی و انگلیسی، توضیحات کامل در خصوص ملاک های ورود به پژوهش توضیح داده شد و همچنین توضیحات مربوط به نحوه پاسخگویی به سوالات شرح داده شد. از افراد درخواست شد با دارا بودن ملاک های پژوهش و در صورت تمایل به شرکت در پژوهش، پرسشنامه ها را پاسخ دهند. سپس داده های به دست آمده از اجرای پژوهش که در گوگل جمع آوری شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس: پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی توسط هرمنس در سال ۱۹۷۰

طراحی شده (۱۴) و تاکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد و توسط تمنایی فر و همکاران به فارسی ترجمه شده است این پرسشنامه شامل ۲۹ جمله ناتمام است و به دنبال هر جمله چهار گزینه دارد. این گزینه ها بر حسب این که شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد نمره دهی می‌شود. برخی سوالات به صورت مثبت و برخی دیگر به صورت منفی می‌باشد و دامنه اختیار هر سوال ۱ تا ۴ و دامنه تغییرات نمره کل سوالات ۲۹ تا ۱۱۶ است. تفسیر آزمون نیز براساس نمره کل می‌باشد. بدین معنی که تمامی پرسش ها در جهت تعیین انگیزه پیشرفت بوده و معیار آن از ۱۱۶ محاسبه گردید. هرمنس برای برآورد روایی آزمون ضریب همبستگی دو پرسش آن را با رفتارهای پیشرفت گرا برآورد کرد ($r=0/88$). برای برآورد پایایی، دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی پس از گذشت ۳ هفته به کار گرفته شد که نتایج به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ بود (۱۵).

پرسشنامه افسردگی: مقیاس افسردگی بک برای سنجش شدت افسردگی در سال ۱۹۷۸ توسط بک تدوین شده بود. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۶ توسط بک، استیر و براون مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۲۱ ماده می‌باشد و هر ماده نمره‌ای بین ۰ تا ۳ می‌گیرد. هر یک از مواد این پرسشنامه یکی از علائم افسردگی را می‌سنجد، فنی، بیرشک، عاطف وحید و دابسون (۱۳۸۲) (۱۶) مشخصات روان سنجی این پرسشنامه را در ایران بدین شرح گزارش نموده اند؛ ضریب فاصله یک هفته ۰/۹۱، ضریب همبستگی میان دو نیمه ۰/۸۹، ضریب بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۴، همبستگی آن نیز با پرسشنامه افسردگی بک و ویرایش اول (۱۷)، ۰/۹۳ بود.

پرسشنامه سنجش شدت عوامل بستر ساز محرومیت

کشیدگی جنسی در جامعه ایران: ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با عنوان پرسشنامه سنجش شدت عوامل بستر ساز محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه ایرانی بود. این پرسشنامه ۱۷ گویه‌ای، برای اندازه گیری شدت عواملی که بستر ساز این نوع از محرومیت در جامعه هستند،

بعنوان شاخصی برای سنجش میزان محرومیت مذکور ساخته شد. در ابتدا ۶ مورد از تابوهای که تمامی اقشار جامعه، به رغم سبک زندگی، تفاوت‌های خرده فرهنگی، اختلافات عقیدتی و تفاوت در نگرش مذهبی، به گونه‌ای متعصبانه و کاملاً مشابه، به آنها پایبند هستند، شناسایی و سؤالاتی برای سنجش هر یک از این شش تابو طراحی شد. تعداد این سؤالات ابتدا ۴۳ گویه بود که با انجام عملیات تحلیل عاملی، ۷ گویه از پرسشنامه حذف و روایی و پایایی پرسشنامه ۳۶ گویه‌ای بعنوان فرم بلند به دست آمد. سپس برای تسهیل پاسخگویی شرکت کنندگان تعداد سؤالات به ۱۹ گویه کاهش و مجدداً محاسبات آماری انجام گرفت که در این مرحله نیز سؤالات ۳ و ۱۴ به این دلیل که همبستگی پایین تر از ۰/۳ با نمره کلی داشتند، در مرحله دوم از مدل خارج شدند. اجرای آلفای کرونباخ پس از حذف دو سؤال مذکور، بر روی ۱۷ گویه باقیمانده برابر با ۰/۸۲۳ برآورد گردید. مواردی که به عنوان عوامل بسترساز محرومیت جنسی در جامعه، برای تدوین گویه‌های پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفتند، و سؤالاتی در فرم کوتاه از این پرسشنامه که هر یک از این موارد را می‌سنجد به ترتیب عبارتند از:

«تابوی تک همسری در طول عمر» سؤالات ۱ تا ۳، «تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم» سؤالات ۴ تا ۶، «تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر» سؤالات ۷ تا ۸، «ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف» سؤالات ۹ تا ۱۱، «تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع» سؤالات ۱۲ تا ۱۴، «ناپاک دانستن موضوعات جنسی» سؤالات ۱۵ تا ۱۷.

نتایج

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	تعداد	کجی	کشیدگی
تابوی تک همسری در طول عمر	۰	۳	۱/۸۰۴	۱/۱۱	۱۱۲ نفر جامعه ایرانی	-۰/۲۷۹	-۱/۳۴۶
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۰	۳	۱/۳۱	۰/۹۴	۱۱۲ نفر جامعه ایرانی	۰/۲۶۱	-۰/۷۸۱
تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر	۰	۲	۰/۶۲	۰/۷۲	۱۱۲ نفر جامعه ایرانی	۰/۷۳۶	-۰/۷۵۴

حجم نمونه در این تحقیق ۲۱۹ نفر آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ سال با سطح تحصیلی متوسط به بالا از این جمعیت ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی و ۱۰۷ نفر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی بودند. یافته‌های توصیفی بیانگر جنسیت شرکت کنندگان ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی ۶۱ نفر (۵۴/۴۶ درصد) مردان و ۵۱ نفر (۴۵/۵۴ درصد) زنان، و ۱۰۷ نفر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی ۵۰ نفر (۴۶/۷۳ درصد) مردان و ۵۷ نفر (۵۳/۲۷ درصد) زنان، سن شرکت کنندگان که میانگین سن شرکت کنندگان ایرانی ۳۵/۹ که حداقل سن ۲۱ و حداکثر سن ۵۵، میانگین سن شرکت کنندگان آمریکایی - اروپایی ۳۶/۳ که حداقل سن ۲۲ و حداکثر سن ۵۷، واز لحاظ تحصیلات زنان و مردان ایرانی با تحصیلات سیکل - دیپلم - پایان کالج ۴۰ نفر (۳۵/۷۱ درصد)، فوق دیپلم - لیسانس ۵۰ نفر (۴۴/۶۴ درصد)، فوق لیسانس و دکتری ۶ نفر (۵/۳۶ درصد)، و افرادی که تحصیلاتشان را مشخص نکردن ۱۶ نفر (۱۴/۲۹ درصد)، واز لحاظ تحصیلات زنان و مردان آمریکایی - اروپایی با تحصیلات سیکل - دیپلم - پایان کالج ۲۹ نفر (۲۷/۱۰ درصد)، فوق دیپلم - لیسانس ۷۱ نفر (۶۶/۳۵ درصد)، فوق لیسانس و دکتری ۴ نفر (۳/۷۴ درصد)، و افرادی که تحصیلاتشان را مشخص نکردن ۳ نفر (۲/۸۱ درصد) بودند.

شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار، کجی و کشیدگی در جدول (۴-۱) گزارش شده است

۰/۷۲	۰/۶۱	۲	۰	ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف
۱۱۲ نفر	۰/۷۳۶	-۰/۷۵۴	جامعه ایرانی	
۰/۹۵	۱/۴۵۵	۳	۰	تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع
۱۱۲ نفر	۰/۲۶۰	-۰/۸۴۵	جامعه ایرانی	
۰/۹۴	۱/۰۲	۳	۰	ناپاک دانستن موضوعات جنسی
۱۱۲ نفر	۰/۵۶۱	-۰/۶۴۱	جامعه ایرانی	
۳/۲۷	۱۳/۶۴	۲۱	۷	افسردگی
۱۱۲ نفر	-۰/۰۴۱	۰/۸۳۷	جامعه ایرانی	
۴/۰۱	۸۵/۸۷	۹۵	۷۷	انگیزش پیشرفت
۱۱۲ نفر	۰/۰۶۹	-۰/۵۶۵	جامعه ایرانی	
۰/۲۵۲	۰/۰۴۷	۲	۰	تابوی تک همسری در طول عمر
۱۰۷ نفر	۰/۹۸۵	۰/۴۴۸	جامعه آمریکای - اروپایی	
۰/۱۶۶	۰/۰۲۸	۱	۰	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم
۱۰۷ نفر	۰/۸۰۰	۰/۲۳۸	جامعه آمریکای - اروپایی	
۰/۲۹۲	۰/۰۹۳	۱	۰	تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر
۱۰۷ نفر	۰/۸۳۳	۰/۱۴۲	جامعه آمریکای - اروپایی	
۰/۴۱	۰/۱۵۰	۲	۰	ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف
۱۰۷ نفر	۰/۸۰۴	۰/۶۸۶	جامعه آمریکای - اروپایی	
۰/۴۶	۰/۳۰	۱	۰	تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع
۱۰۷ نفر	۰/۸۰۴	۰/۶۸۶	جامعه آمریکای - اروپایی	
۰/۳۶	۰/۱۰	۲	۰	ناپاک دانستن موضوعات جنسی
۱۰۷ نفر	۰/۷۷۹	۰/۶۷۵	جامعه آمریکای - اروپایی	
۲/۶۴	۱۵/۵۷	۲۲	۹	افسردگی
۱۰۷ نفر	-۰/۰۶۶	-۰/۴۶۹	جامعه آمریکای - اروپایی	
۵/۹۹	۹۹/۳۴	۱۲۷	۹۰	انگیزش پیشرفت
۱۰۷ نفر	۰/۸۱۲	۰/۴۳۲	جامعه آمریکای - اروپایی	

معیار ۱/۱۱ و کمترین میانگین متغیر محرومیت کشیدگی جنسی مربوط به مؤلفه ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف با میانگین ۰/۶۱ و انحراف معیار ۰/۷۲، میانگین

نتایج جدول (۱) نشان می دهد که در نمونه آماری ایرانی بالاترین میانگین محرومیت کشیدگی جنسی مربوط به مؤلفه تابوی تک همسری در طول عمر با میانگین ۱/۸۰۴ با انحراف

۰/۳۰ با انحراف معیار ۰/۴۶ و کمترین میانگین متغیر محرومیت کشیدگی جنسی مربوط به مؤلفه تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر با میانگین ۰/۰۲۸ و انحراف معیار ۰/۱۶۶، میانگین افسردگی با میانگین ۱۵/۵۷ و انحراف معیار ۲/۴۶، میانگین انگیزش پیشرفت با میانگین ۹۹/۳۴ و انحراف معیار ۵/۹۹ است.

افسردگی با میانگین ۱۳/۶۴ و انحراف معیار ۳/۲۷، میانگین انگیزش پیشرفت با میانگین ۸۵/۸۷ و انحراف معیار ۴/۰۱ است. نتایج جدول (۱) نشان می دهد که در نمونه آماری امریکایی - اروپایی بالاترین میانگین محرومیت کشیدگی جنسی مربوط به مؤلفه تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع با میانگین

جدول ۲. جدول آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	Z کلموگروف اسمیرنوف	متغیرها
نرمال	۰/۰۵۸	۱/۲۶۷	تابوی تک همسری در طول عمر در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۲۱۴	۱/۱۴۴	تابوی تک همسری در طول عمر در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۲۳۵	۱/۱۱۲	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۱۶۲	۱/۱۷۶	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۱۰۸	۱/۱۷۹	تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۲۴۸	۱/۱۰۲	تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۱۱۱	۱/۱۷۷	ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف در نمونه ایرانی

نرمال	۰/۱۶۱	۱/۱۹۹	ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۲۴۱	۱/۸۰۳	تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۱۷۳	۱/۱۸۴	تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۱۶۴	۱/۱۴۸	ناپاک دانستن موضوعات جنسی در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۲۰۳	۱/۱۵۹	ناپاک دانستن موضوعات جنسی در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۱۳۲	۱/۱۶۶	افسردگی در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۳۷۲	۰/۹۱۵	افسردگی در نمونه امریکایی - اروپایی
نرمال	۰/۲۷۲	۰/۹۹۸	انگیزش پیشرفت در نمونه ایرانی
نرمال	۰/۰۷۳	۱/۲۹۹	انگیزش پیشرفت در نمونه امریکایی - اروپایی

باشد یعنی متغیرهای مورد نظر از توزیع نرمال پیروی می کند،
لذا می توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد.

با توجه به جدول (۴-۲) مقدار سطح معنی داری متغیرها
بزرگتر از ۰/۰۵ شده است که نشان از پذیرش فرضیه صفر می

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به
حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی
ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی و انگیزه پیشرفت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
---------	---	---	---	---	---	---	---	---

تابوی تک همسری	۱	۰/۶۵۰**	۰/۲۳۸**	۰/۲۹۹**	۰/۳۱۰**	۰/۳۲۳**	۰/۲۴۴**	-۰/۵۷۶**
درطول عمر تابوی الزام به حفظ بکارت	-	۱	۰/۶۴۴**	۰/۶۱۵**	۰/۵۳۰**	۰/۴۷۴**	۰/۱۹۶**	-۰/۵۸۱**
تازدواج دائم تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر	-	-	۱	۰/۸۸۴**	۰/۴۹۴**	۰/۵۶۰**	۰/۱۹۵**	-۰/۳۸۱**
ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف	-	-	-	۱	۰/۴۹۰**	۰/۵۷۳**	۰/۲۰۰**	-۰/۳۲۳**
تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع	-	-	-	-	۱	۰/۶۹۹**	۰/۳۶۸**	-۰/۵۳۹**
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	-	-	-	-	-	۱	۰/۳۶۷**	-۰/۴۷۲**
افسردگی	-	-	-	-	-	-	۱	-۰/۲۵۶**
انگیزش پیشرفت	-	-	-	-	-	-	-	۱

p<۰/۰۱**

ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

یافته های جدول (۳) نشان داد که بین مولفه محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با انگیزش پیشرفت رابطه معنی داری وجود دارد؛ چرا که در سطح معناداری مشاهده شده (sig=۰/۰۰۰۱) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۱) کوچکتر می باشد. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان قضاوت

یافته های جدول (۳) نشان داد که بین مولفه محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری درطول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی رابطه معنی داری وجود دارد؛ چرا که در سطح معناداری مشاهده شده (sig=۰/۰۰۰۱) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۱) کوچکتر می باشد. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان قضاوت نمود که رابطه مورد نظر در فرضیه ی پژوهش تأیید می گردد. همچنین با توجه به مثبت بودن مقدار همبستگی می توان نتیجه گرفت که بین محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا

شده است. قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره پیش فرض های (عدم همخطی میان متغیرهای وابسته) (با استفاده از آزمون ضریب همبستگی متقابل بین متغیرها)، برابری واریانس های متغیرهای وابسته (با استفاده از آزمون لون)، همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس (با استفاده از آزمون باکس) مورد بررسی قرار گرفت، که نتایج نشان داد که تمامی مفروضه ها (مانوا) رعایت شده است و پژوهشگر اجازه دارد از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده کند.

نمود که رابطه مورد نظر در فرضیه ی پژوهش تأیید می گردد. همچنین با توجه به منفی بودن مقدار همبستگی می توان نتیجه گرفت که بین محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با انگیزش پیشرفت رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. برای بررسی شدت عوامل بستر ساز محرومیت کشیدگی جنسی در جوامع ایرانی از جامعه امریکایی - اروپایی بیشتر است از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده

جدول ۴. تحلیل حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره مقایسه مولفه های متغیر محرومیت کشیدگی جنسی زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی

اندازه اثر	سطح معناداری P	F	میانگین مجدورات MS	درجه آزادی df	مجموع مجدورات SS	منبع پراش
۰/۵۳۹	۰/۰۰۰۵	۲۵/۷۳۵	۱۶۸/۸۹۸	۱	۱۱۶۸/۸۹۸	تابوی تک همسری در طول عمر
		۳	۰/۶۶۶	۲۱۷	۱۴۴/۴۴۵	خطا
۰/۴۷۲	۰/۰۰۰۵	۱۹/۱۰۳	۹۰/۲۸۲	۱	۹۰/۲۸۲	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج
		۴	۰/۴۶۵	۲۱۷	۱۰۰/۹۷۸	دائم خطا
۰/۱۸۱	۰/۰۰۰۵	۴۸/۰۰۸	۱۴/۹۴۶	۱	۱۴/۹۴۶	تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر
			۰/۳۱۱	۲۱۷	۶۷/۵۵۶	خطا
۰/۱۳۵	۰/۰۰۰۵	۳۳/۹۶۴	۱۱/۹۱۱	۱	۱۱/۹۱۱	ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف
			۰/۳۵۱	۲۱۷	۷۶/۰۹۹	خطا
۰/۳۷۴	۰/۰۰۰۵	۱۲/۹۱۴	۷۳/۱۶۳	۱	۷۳/۱۶۳	تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع
		۹	۰/۵۶۳	۲۱۷	۱۲۲/۲۰۷	خطا
۰/۲۹۱	۰/۰۰۰۵	۸۸/۹۰۸	۴۵/۸۲۰	۱	۴۵/۸۲۰	ناپاک دانستن موضوعات جنسی
			۰/۵۱۵	۲۱۷	۱۱۱/۸۳۳	خطا

های کفایت مدل که در جدول (۵) آمده است به ارائه مدل پردازش یافته پرداخته می شود.

جدول ۵. متغیرهای ورودی و خروجی با استفاده از

رگرسیون گام به گام

مدل	متغیر مستقل وارد شده	متغیرهای خروجی	گام ها
	تابوی ظاهر شدن زنان درمجموع		اول
۱	ناپاک		
۲	دانستن موضوعات جنسی		دوم

همان طور که از جدول (۵) برمی آید تحلیل رگرسیون تا ۲ مرحله پیش رفته است. مرحله اول متغیر تابوی ظاهر شدن زنان درمجموع وارد مدل می شود که میزان ضریب همبستگی آن با افسردگی برابر با (۰/۳۶۸) شده است. در این مرحله ضریب تعیین برابر (۰/۱۳۵) و ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۱۳۱) بدست آمده است. در گام دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی ناپاک دانستن موضوعات جنسی همبستگی چندگانه به (۰/۳۹۸) و ضریب تعیین به (۰/۱۵۸) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۱۵۱) افزایش یافته است. به عبارت دیگر براساس ضریب تعیین تعدیل شده (۱۵/۱) درصد تغییرات متغیر وابسته (افسردگی) به وسیله دو متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجموع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی تبیین می شود.

جدول ۶. شاخص های کفایت مدل

گام ها	ضریب ضری	ضریب انحراف	آماره همبستگی	تعیین ف خطا	دوربین تعیین

نتایج جدول (۴) نشان می دهد بین میانگین نمرات مولفه های محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان درمجموع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) گروه زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد ($p < 0.01$) و با مقایسه های میانگین های مولفه های محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجموع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی که در تمام مولفه ها میانگین نمرات تمامی مولفه های محرومیت کشیدگی جنسی زنان و مردان ایرانی بیشتر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی است.

برای بررسی رابطه بین محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجموع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی با افسردگی و انگیزه پیشرفت از آزمون رگرسیون چندگانه (گام به گام) استفاده شد.

جهت بررسی و ارائه مدل بین افسردگی (Y) با ابعاد محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجموع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) (X) پس از بررسی شاخص

تعدیل شده	واتس	تابوی	۳۳/۸۲۵	۰/۰۰۰۱
گام اول	۰/۳۶۸	۰/۱۳۵	۱/۱۳۱	۲/۹۱
گام دوم	۰/۳۹۸	۰/۱۵۸	۲/۸۸	۱/۶۱۱

ظواهر شدن زنان درمجامع

ناپاک دانستن موضوعات جنسی

در قسمت زیر جدول آنالیز واریانس برای دو مدلی که عنوان شد آورده شده است.

جدول ۷. آزمون آنالیز واریانس جهت معنادار بودن

مدل	F	sig
رگرسیون		

جدول (۷) حاکی از معنی دار بودن رگرسیون با توجه به $a=0/05 < sig=0/001$ برای ۲ مرحله است.

در جدول (۸) نیز معناداری ضرایب رگرسیونی به ترتیب ورود در مدل نشان داده شده است.

جدول ۸. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات B	ضریب غیراستاندارد Std.Error	ضریب استاندارد شده Beta	t	sig	مفروضه هم خطی VIF	Tolerance
مقدار ثابت	۱۵/۶۶۹						
تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع	۱/۲۱۷	۰/۲۰۹	۰/۳۶۸	۵/۸۱۶	۰/۰۰۰۱	۱	۱
مقدار ثابت	۱۵/۶۷۸						
تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع	۰/۷۲۸	۰/۲۸۹	۰/۲۲۰	۲/۵۱۲	۰/۰۰۰۱	۱/۹۶۵	۰/۵۱۱
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	۰/۷۷۸	۰/۳۲۱	۰/۲۱۲	۲/۴۲۳	۰/۰۰۰۱	۱/۹۶۵	۰/۵۱۱

(تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) می‌توانند پیش بین مناسبی برای افسردگی باشند. همچنین متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، (۰/۳۶۸) واحد تغییر در متغیر افسردگی ایجاد می‌شود. در نتیجه کلی با توجه به معنادار شدن رابطه بین مولفه‌های (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی با ۰/۹۹ احتمال

معادله رگرسیونی را می‌توان با توجه به مدل ۲ به شرح زیر محاسبه کرد:

$(0/778) \times (\text{ناپاک دانستن موضوعات جنسی}) + (0/728) \times (\text{تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع}) = \text{افسردگی}$
 در جدول (۸) متغیرهایی وجود دارند که همه معنادار هستند، در نتیجه برای قضاوت در مورد سهم تاثیر هر متغیر بر افسردگی به ستون ضرایب بتای استاندارد شده در مدل آخر (۲) توجه می‌کنیم. مشاهده می‌شود در هر ۲ مؤلفه موجود

این نتیجه بدست می‌آید که (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) پیش بینی کننده‌ی مناسبی برای افسردگی است.

جهت بررسی و ارائه مدل بین انگیزه پیشرفت (Y) با ابعاد مرمومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) (X) پس از بررسی شاخص‌های کفایت مدل که در جدول (۹) آمده است به ارائه مدل پردازش یافته پرداخته می‌شود.

جدول ۹. متغیرهای ورودی و خروجی با استفاده از رگرسیون گام به گام

مدل	متغیر مستقل وارد شده	متغیرهای خروجی	گام‌ها
۱	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	-	اول
۲	تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	-	دوم
۳	تابوی تک همسری در طول عمر	-	سوم

همان‌طور که از جدول (۱۰) برم آید تحلیل رگرسیون تا ۳ مرحله پیش رفته است. مرحله اول متغیر تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم در مجامع وارد مدل می‌شود که میزان ضریب همبستگی آن با انگیزه پیشرفت برابر با (۰/۵۸۱) شده است. در این مرحله ضریب تعیین برابر (۰/۳۳۸) و ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۳۳۵) بدست آمده است. در گام دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع همبستگی چند گانه به (۰/۶۴۲) و ضریب تعیین به (۰/۴۱۲) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۴۰۶) افزایش یافته است. در

گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی تابوی تک همسری در طول عمر همبستگی چند گانه به (۰/۶۹۸) و ضریب تعیین به (۰/۴۸۸) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۴۸۰) افزایش یافته است. به عبارت دیگر براساس ضریب تعیین تعدیل شده (۴۸) درصد تغییرات متغیر وابسته (انگیزه پیشرفت) به وسیله سه متغیر (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) تبیین می‌شود.

جدول ۱۱. شاخص‌های کفایت مدل

گام‌ها	ضریب همبستگی تعیین شده	ضریب تعدیل شده	انحراف خطا	آماره دورین واتسون
گام اول	۰/۵۸۱	۰/۳۳۸	۰/۳۳۵	۶/۸۸
گام دوم	۰/۶۴۲	۰/۴۱۲	۰/۴۰۶	۶/۵۰
گام سوم	۰/۶۹۸	۰/۴۸۸	۰/۴۸۰	۶/۰۸

در قسمت زیر جدول آنالیز واریانس برای دو مدلی که عنوان شد آورده شده است.

جدول ۱۲. آزمون آنالیز واریانس جهت معنادار بودن

مدل	F	sig	رگرسیون
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۵۹۵	۰/۰۰۰۱	۱۱۰/
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۵۸۶	۰/۰۰۰۱	۷۵/
تابوی تک همسری در طول عمر		۰/۰۰۰۱	
۶۸/۱۹۹			

جدول (۱۲) حاکی از معنی دار بودن رگرسیون با توجه به $\alpha = 0.05 < sig = 0.001$ برای ۴ مرحله است. در جدول (۱۳) نیز معناداری ضرایب رگرسیونی به ترتیب ورود در مدل نشان داده شده است.

جدول ۱۳. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد شده	t	sig	مفروضه هم خطی	
						VIF	Tolerance
	B	Std.Error	Beta				
مقدار ثابت	۹۶/۰۳۳						
تابوی الزام به				۱۰/۵۱۶	/۰۰۰۱	۱	۱
حفظ بکارت	-۵/۲۳۴	۰/۴۹۸	-۰/۵۸۱	-	.		
تا ازدواج دائم							
مقدار ثابت	۹۷/۵۳۱						
تابوی الزام به				-۶/۶۶۷	/۰۰۰۱	۱/۳۹۰	۰/۷۱۹
حفظ بکارت	-۳/۷۰۲	۰/۵۵۴	-۰/۴۱۱	-	.		
تا ازدواج دائم							
تابوی							
ظاهر شدن زنان				-۵/۲۱۷	/۰۰۰۱	۱/۳۹۰	۰/۷۱۹
درمجامع	-۲/۸۶۲	۰/۵۴۹	-۰/۳۲۱	-	.		
مقدار ثابت	۹۸/۵۷۱						
تابوی الزام به				-۲/۲۹۲	/۰۰۰۱	۲/۱۸۵	۰/۴۵۸
حفظ بکارت	-۱/۴۹۰	۰/۶۵۰	-۰/۱۶۵	-	.		
تا ازدواج دائم							
تابوی							
ظاهر شدن زنان					/۰۰۰۱		
درمجامع	-۳/۰۱۸	۰/۵۱۴	-۰/۳۳۹	-۵/۸۷۳	.	۱/۳۹۵	۰/۷۱۱
تابوی تک	-۲/۵۵۶	۰/۴۵۲	-۰/۳۶۳	-۵/۶۴۳	/۰۰۰۱	۱/۷۳۸	۰/۵۷۵
همسری در طول					.		
عمر							

در جدول (۱۳) متغیرهایی وجود دارند که همه معنادار هستند، در نتیجه برای قضاوت در مورد سهم تاثیر هر متغیر بر انگیزه پیشرفت به ستون ضرایب بتای استاندارد شده در مدل آخر (۳) توجه می کنیم. مشاهده می شود. در هر ۳ مؤلفه موجود (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر)

معادله رگرسیونی را می توان با توجه به مدل ۲ به شرح زیر محاسبه کرد:
 $(-۳/۰۱۸)$ (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع) $+ (-۱/۴۹۰)$
 (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم) = انگیزه پیشرفت
 $(-۲/۵۵۶)$ (تابوی تک همسری در طول عمر) $+$

می‌توانند پیش بین مناسبی برای انگیزه پیشرفت باشند. همچنین متغیر تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، (۰/۵۸۱-) واحد تغییر در متغیر انگیزه پیشرفت ایجاد می‌شود. در نتیجه کلی با توجه به معنادار شدن رابطه بین مولفه های (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) با انگیزه پیشرفت با ۰/۹۹ احتمال این نتیجه بدست می‌آید که (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) پیش بینی کننده‌ی مناسبی برای انگیزه پیشرفت است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی- امریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی و انگیزه پیشرفت بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار شدت عوامل بسترساز محرومیت کشیدگی جنسی و مؤلفه‌های آن که به ترتیب عبارتند از تابوی «تک همسری در طول عمر»، تابوی «الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم»، تابوی «ضرورت جداسازی دو جنس»، تابوی «ضرورت رقابت جنسی»، تابوی «ظاهر شدن زنان در مجامع» و تابوی «ناپاک دانستن موضوعات جنسی»، برای نمونه‌های ایرانی در همه موارد بیشتر از این مقادیر در نمونه‌های خارجی است و این بدان معناست که افراد جامعه ایرانی نسبت به جامعه‌ی مورد سنجش مقابل، در محرومیت کشیدگی جنسی بیشتری زندگی می‌کنند. همچنین از طرفی در رابطه محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی- امریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی می‌توان گفت که مولفه های (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی با پیش بینی کننده‌ی مناسبی برای افسردگی است و (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع،

تابوی تک همسری در طول عمر) پیش بینی کننده‌ی مناسبی برای انگیزه پیشرفت است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجائی که در این پژوهش میزان محرومیت جنسی از طریق اندازه گیری شدت شش تابوی مهم در جامعه ایرانی سنجیده شده است، یک بار دیگر به نکته‌ای در مورد تابوها از زبان فروید توجه می‌کنیم: «قیود تابویی، اموری جدا از منتهیات صرف مذهبی و اخلاقی است. محدودیت‌های مذکور به اوامر الهی منسوب نیستند، بلکه خودبه‌خود پا گرفته‌اند و آنچه تابوها را از نهی‌های اخلاقی متمایز می‌کند این است که در شمار قواعدی نیستند که بطور کلی بر ضرورت پرهیزکاری تکیه دارند و دلایل این ضرورت را مشخص می‌سازند. محرّمات تابویی، بر هیچ دلیلی مبتنی نیستند و منشأ آنها مجهول است. تابوها در حالی که برای ما غیر قابل فهم هستند از نظر کسانی که تحت سیطره آنها زندگی می‌کنند، طبیعی جلوه می‌کند. تابو عبارت از کهن‌ترین مجموعه قوانین غیرمدون بشر است که از دین قدیمی‌تر و مربوط به دوران ماقبل مذهبی هستند (۱۳).

با در نظر گرفتن نکته فوق، پیش بینی ما این خواهد بود که جامعه ایرانی، گرایش افراطی به تبعیت از قیود تابویی (تابوهای شش گانه مورد سنجش در این پژوهش) داشته باشد، و البته تاریخ باستانی و سبک زندگی مردم در زمان حکومت مادها و هخامنشی می‌تواند شکل‌گیری و ماندگاری تابوها و سنت‌های کهن الگویی جامعه ایرانی را توجیه کند. یونگ می‌نویسد: کهن الگوها به روش خاصی تعدیل می‌شوند، و از آن پس دیگر محتویات ناخودآگاه نیستند بلکه به اشکال خودآگاهی تبدیل می‌شوند که سُنّت، آنها را به دیگران می‌آموزد (۱۸). اگر صحت استنتاج فوق را بپذیریم، قاعدتاً اقشار مذهبی و غیرمذهبی ایرانی نیز در چنین گرایشاتی با صرف نظر از شکل سطحی و ظاهری در سبک زندگی هر یک و صرف نظر از رفتارهای برآمده از حیطه خودآگاه، نباید تفاوتی با یکدیگر داشته باشند. یعنی انتظار می‌رود هر دو قشر با استفاده از روش‌های محدود کننده، بطور یکسان در حیطه خانواده و جامعه عمل کنند. این

گفته ویل دورانت در جلد اول از مجموعه تاریخ تمدن، تحت عنوان «مشرق زمین، گاهواره تمدن»، پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان، آمد و رفت کنند (حجاب رفتاری و گفتاری). زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و یا برادرشان را تنها ملاقات کنند. در نقش‌هایی که از ایران باستان به جا مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است (حجاب پوششی) (۲۱). اندیشمندان در یک دسته‌بندی کلی، حجاب در آیین زرتشت را در سه نوع رفتاری، گفتاری و پوششی تقسیم‌بندی کرده‌اند، که از نظر نگارنده هنوز هر سه نوع با قوام قابل ملاحظه همچنان در جامعه ایرانی پابرجاست. تجلیات پوشش در میان زنان ایران آنچنان چشمگیر است که با بهره‌گیری از آثار تاریخی و اسناد باستان‌شناسی موجود در داخل کشور و نیز خارج از مرزهای فعلی که در زمانی بخشی از قلمرو حکومتی ایران بوده، همچون منطقه ارگیلی در ترکیه (یکی از ساتراپ‌های هخامنشیان) می‌توان با اطمینان عنوان داشت که ایران منبع اصلی ترویج حجاب در جهان بوده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زنان ایرانی در تمامی دوران‌های تاریخی شامل مادها، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حجابی کامل داشته‌اند (۲۳).

در آموزه‌های دوران زرتشت به شدت تأکید شده که یک مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند (۲۴). زرتشت انسان را موجودی هوشمند و خردمند می‌داند که برای رسیدن به ارزش‌های انسانی (عفت ظاهری و باطنی) و دوری از خصلت‌های حیوانی (امورجنسی) تلاش می‌کند. شریعت زرتشت، بر سه اصل اساسی، «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» استوار گشته است. موبدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می‌گویند: «یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید» (۱۹). البته پلید دانستن زنان و ناپاک دانستن موضوعات جنسی تنها در زروان و زرتشت

مصادیق عینی در جامعه ایرانی، نه تنها موجود است، بلکه حتی در مواردی که نقض تابوها، به طور مشترک مورد تأیید دین اسلام و علم و دانش نوین باشد نیز، آشکارا در همه اقشار جامعه ایرانی، واپسرانی می‌شود. البته این واپسرانی و اجتناب تنها در مواردی است که آموزه‌های باستانی بر آن تأکید داشته‌اند که مؤلفه‌های شش‌گانه مورد سنجش در این پژوهش از مهمترین آنهاست.

با وجود اینکه این نوع از آموزه‌ها به صورت غیرمدون و نانوشته بوده و به نظر می‌رسد از طریق سنت‌ها منتقل می‌شوند (۱۸) می‌توانیم برخی از نمونه‌هایی که در متون تاریخی، علمی-پژوهشی، و یا منابع مذاهب باستانی هنوز در دسترس هستند را بیابیم. با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردمان در آن کیش زرتشتی داشتند چنین بدست می‌آید که زنان ایران از دیرباز با صفاتی همچون «حجاب» و «اخلاق نیکو» و «پاکدامنی» تشویق و تکریم می‌شده و به این ترتیب این حقیقت روشن می‌شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است بلکه بانوان ایران از قدیم الایام حجاب داشته‌اند (۱۹). جایگاه فرهنگی پوشش زنان که در ایران زمین با صفت «نجیب» تکریم می‌شدند به گونه‌ای بوده است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش موی سر و با تاج مخصوص ملکه به مجلس بزم بیاید تا حاضران، زیبایی او را شاهد باشند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد (۲۰).

پس از داریوش مقام زن تنزل پیدا کرد و گوشه‌نشینی زمان حیض که بر ایشان واجب بود، رفته رفته ادامه پیدا کرد، سراسر زندگی اجتماعی ایشان را فرا گرفت و این امر، بخودی خود مبنای پرده پوشی مسلمانان به شمار می‌رود (دورانت و دورانت، ۱۳۸۰) (۲۱). در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت و قبل از ظهور اسلام است افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول بود (۲۲). به

نبوده است، بلکه در تمامی ادیان، به استثنای دین اسلام چنین دیدگاهی را به وضوح داریم. برتراندراسل در کتاب زناشویی و اخلاق مطلبی آورده که علاوه بر موضوع گفته شده، اشاره - ای هم به نقش ایران باستان در ترویج چنین دیدگاهی در جهان دارد: «در قطعاتی که به کتاب مقدس مسیحیان نسبت می‌دهند، تلقی مُرتاضانه‌ای نسبت به زن مشاهده می‌شود. البته هواخواهان فلسفه نوین افلاطونی نیز دست کمی از مسیحیان ندارند. این عقیده که جنس مؤنث چیز زشت و پلیدی است، از ایران به مغرب زمین رسید و با خود این عقیده را آورد که رابطه جنسی چیز ناپاک و کثیفی است. همین نظر در حد متعارف خود تلقی و نقطه نظر کلیسا نیز هست» (۲۵). یونگ می‌نویسد: انسان می‌تواند کاملاً مطمئن باشد که هیچ گونه عقیده مذهبی ندارد، اما هیچکس نمی‌تواند آنقدر از طبیعت انسانی دور گردد که هیچ نوع نمود جمعی غالبی نداشته باشد. با شناختی که ما از انسان داریم، پی برده ایم که او همیشه و همه جا تحت تأثیر عقاید غالب است. اگر کسی ادعا کند که از این قاعده مستثنی است، بلافاصله باید حدس زد که او چهارچوب شناخته شده باورهای رایج را تنها در ظاهر، با قالبی دیگر که برای خودش و دیگران چندان شناخته شده نیست عوض کرده است. مثلاً به جای خداشناسی خود را وقف کفر ورزیدن کرده است. یا بجای دیونیوس، میتراس را که مدرن تر است برگزیده است. کهن الگویی که در پس باوری مذهبی وجود دارد مانند سایر غرایز، انرژی مخصوصی دارد که حتی اگر ذهن خودآگاه هم آن را نادیده بگیرد، ناخودآگاه آن انرژی را از دست نمی‌دهد (۱۸).

کاربرد نتایج این پژوهش آنجاست که بتوانیم تکانه های ناهشیار ناشی از کهن الگوهای نادرست و بازدارنده را به حیطة هشیار انتقال دهیم. هشیارسازی ذهن جامعه نسبت به وجود تکانه هایی که طی هزاران سال منجر به تولید سنتها و ایجاد محدودیتهایی در جامعه شده که مسبب بی انگیزگی و مانع رشد خلاقیت هستند. بنظر می‌رسد بازشناسی و تفکیک اینگونه تکانه‌های برآمده از کهن الگوها و افتراق آنها از دستورات دینی و اخلاقی، در وهله اول باید در قشر فرهیخته

و دانشگاهی رخ دهد زیرا این افراد می‌توانند با درک موضوع، گام‌های اولیه در انتقال مفاهیم ریشه ای چندهزار ساله بردارند و کهن الگوهایی که منشأ گرایشات و بازداری های مخرب در جامعه ایرانی هستند و به اشتباه در جامعه به دین اسلام نسبت داده می‌شود را با زمینه سازی فرهنگی و برنامه ریزی های تربیتی بتدریج به حیطة خودآگاه ذهن جامعه انتقال دهند.

تقدیر و تشکر

"این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی نویسنده اول در واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران می‌باشد."

موضوع رساله در شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم انسانی واحد تنکابن در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۱۴ با کدرهگیری ۱۶۲۲۷۹۳۶۲ به تصویب کمیته تخصصی گروه مربوطه رسید.

در پایان از تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد

References

- Zgliczynska, M., Zasztowt-Sternicka, M., Kosinska-Kaczynska, K., Szymusik, I., Pazdzior, D., Durmaj, A., ... & Wielgos, M. Impact of childbirth on women's sexuality in the first year after the delivery. *Journal of Obstetrics and Gynaecology Research*, 2021; 47(3), 882-892.
- Hargons, C. N., Dogan, J., Malone, N., Thorpe, S., Mosley, D. V., & Stevens-Watkins, D. Balancing the sexology

- engineering. *European Journal of Engineering Education*, 2014; 39(6), 648-665.
12. Smith, J. L., Lewis, K. L., Hawthorne, L., & Hodges, S. D. When trying hard isn't natural: Women's belonging with and motivation for male-dominated STEM fields as a function of effort expenditure concerns. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 2013; 39(2), 131-143.
 13. Freud, Sigmund. *Totem and Taboo*. Translated by Iraj Pourbagher. Tehran: Tahoori ۱۳۹۹ و
 14. Hermans HJ. A questionnaire measure of achievement motivation, *J Appl Psychol*. 1970; 54(4):353-63
 15. Tamnaeifar, Mohammad Reza, Gandami, Zeinab, The Relationship between Achievement Motivation and Academic Achievement in Students, *Quarterly Journal of Educational Strategies*, 2011; ۴, 15-19 (in persian)
 16. Fati, Laden; Birshak, Behrooz; Atef Vahid, Mohammad Kazem and Dobson, Keith Semantic structures, emotional states, and cognitive processing of emotional information; Comparison of two conceptual frameworks. Unpublished dissertation for doctoral degree in clinical psychology, Tehran Institute of Psychiatry, University of Tehran, Iranian Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran. 2003
 17. Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. *Manual for the BDI-II*. San Antonio, TX: The Psychological Corporation. 1996
 18. Ung, Carl Gustav. *Collective unconscious and archetype*. Translated by Farnaz Ganji and Mohammad Baqer Ismailpour. Tehran: Jami, 1396
 - scales: A content analysis of Black women's sexuality research. *Culture, Health & Sexuality*, 2021; 23(9), 1287-1301.
 3. Montemurro, B., & Siefken, J. M. Cougars on the prowl? New perceptions of older women's sexuality. *Journal of Aging Studies*, 2014; 28, 35-43.
 4. Parry, D. C., & Light, T. P. Fifty shades of complexity: Exploring technologically mediated leisure and women's sexuality. *Journal of Leisure Research*, 2014; 46(1), 38-57.
 5. Christ, C. P. A new definition of patriarchy: Control of women's sexuality, private property, and war. *Feminist Theology*, 2016; 24(3), 214-225.
 6. Bay-Cheng, L. Y. Living in metaphors, trapped in a matrix: The ramifications of neoliberal ideology for young women's sexuality. *Sex Roles*, 2015; 73(7), 332-339.
 7. Pereira, V. M., Nardi, A. E., & Silva, A. C. Sexual dysfunction, depression, and anxiety in young women according to relationship status: an online survey. *Trends in psychiatry and psychotherapy*, 2013; 35, 55-61.
 8. Kucharska, J. Sexual and non-sexual trauma, depression and self-esteem in a sample of polish women. A cross-sectional study. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 2017; 24(1), 186-194.
 9. Nascimento, E. R., Maia, A. C. O., Nardi, A. E., & Silva, A. C. Sexual dysfunction in arterial hypertension women: the role of depression and anxiety. *Journal of affective disorders*, 2015; 181, 96-100.
 10. Siqueira-Campos, V. M., Da Luz, R. A., de Deus, J. M., Martinez, E. Z., & Conde, D. M. Anxiety and depression in women with and without chronic pelvic pain: prevalence and associated factors. *Journal of Pain Research*, 2019; 12, 1223.
 11. Kodate, N., Kodate, K., & Kodate, T. Paving the way and passing the torch: mentors' motivation and experience of supporting women in optical

- the beginning of the Pahlavi Empire. Publications of the Ministry of Culture and Arts. Tehran, 1349 (in persian)
23. Shojaei, Fatima. And Masoumi, Nasrin. And brave, small. An Introduction to the History of Women's Hijab in Iranian Culture, Proceedings of the Conference on Scientific and Practical Attitudes to Chastity and Hijab, Tehran, 1396 (in persian)
24. Zoroastrian calendar of Tehran: Zoroastrian Association Press, 1346 (in persian)
25. William Russell, Bertrand. Marital and morality. Translated by Ibrahim Younesi. Tehran: Andisheh Publishing, 1347 (in Persian)
19. Shahrzadi, Rostam. Religion and knowledge. Tehran: Zoroastrian Association of Tehran. 1357 (in persian)
20. Farhat Ghaem Maghami, Abu al-Qasim. Freedom or Captivity, an Introduction to the Sociology of Women. Tehran: Javidan Publications, 1355 (in persian)
21. Durant, Ariel., Durant, William James. History of Civilization, Orient: The Cradle of Civilization. Translated by Ahmad Aram. Amir Hossein Arianpour and Askari Pashaei, Tehran: Third Edition, Islamic Revolution Publications and Education, 1380 (in persian)
22. Ziapur, Jalil. Ancient Iranian clothing from the earliest times to

Original Article

Comparison of sexual deprivation in Iranian society and European-American society and its relationship with depression and achievement motivation

Received: 12/05/2022 - Accepted: 16/06/2022

Masoud Hossein pour zanozi¹
Mohammadali Rahmani^{2*}
Mohammadreza Zarbakhsh Bahri³

¹ PhD student Psychology,
Department of Psychology,
Tonekabon Branch, Islamic Azad
University, Tonekabon, Iran.

² Assistant Professor, Department
of Psychology, Tonekabon
Branch, Islamic Azad University,
Tonekabon, Iran. (Corresponding
author)

³ Associate Professor, Department
of Psychology, Tonekabon
Branch, Islamic Azad University,
Tonekabon, Iran.

Email: m_rahmani@toniau.ac.ir

Abstract

Introduction: The aim of this study was to compare the rate of sexual deprivation in Iranian and European-American societies and its relationship with the rate of depression and achievement motivation. This research was applied and post-event comparative method.

Materials and Methods: For this purpose, ۲۱۹ subjects aged ۲۵ to ۵۵ years, with upper secondary education levels, including ۶۱ Iranian men and ۵۱ women, and ۵۰ men and ۵۷ women from European-American countries, voluntarily answered the questionnaire. To measure the variable of "sexual deprivation" in the two research groups, the "ASSD" questionnaire was used to assess the severity of the factors that underlie sexual deprivation.

Results: Comparison of the mean and standard deviation of the severity of the factors underlying sexual deprivation in the two groups showed that the severity of these factors and consequently the amount of deprivation in Iranian society is higher than the American-European community ($p < 0.01$). Also, the results of multivariate analysis of variance showed that Iranian samples had higher scores in all components (significance level (0.001)).

Conclusion: This type of deprivation is the product of archetypes and as a result of the unique Iranian culture. It has consequences in the insights and behaviors of the Iranian society and has nothing to do with the commands and values of Islam. The application of the findings of this study is to include the concepts obtained in long-term educational and cultural planning.

Key words: Iranian archetype, sexual deprivation, depression, motivation for progress.

Acknowledgement: There is no conflict of interest